



ادبیات

سراسری هنر ۹۱

کرد. «یابلو نرودا» از چهره‌های مهم ادب پایداری آمریکای لاتین و «هریت بیچراستو» نیز از مشهورترین نویسندگان ادب پایداری سیاهان است.

۷- گزینه‌ی «۳»

(ادبیات فارسی ۳، تاریخ ادبیات، درس‌های ۱۲ و ۱۳، صفحه‌های ۹۴ و ۹۹ و بخش اعلام)
«روضه‌ی خلد» اثر مجد خوافی و «لطایف الطوائف» اثر فخرالدین علی صفی / «کشف‌الاسرار» اثر رشیدالدین میبدی و «کشف‌المحجوب» اثر علی بن عثمان هجویری / «مختارنامه» اثر عطار نیشابوری

۸- گزینه‌ی «۴» (ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، تاریخ ادبیات، درس‌های ۱۲، ۲۱، ۲۳ و ۲۹، صفحه‌های ۵۶، ۱۱۱، ۱۲۷ و ۱۷۳)

«ابطال‌الباطل، انقلاب کبیر فرانسه و چهل ساعت محاکمه» جزء ترجمه‌های عبدالله مستوفی هستند.

۹- گزینه‌ی «۱» (زبان فارسی ۳، گروه فعلی، درس ۷، صفحه‌های ۴۸ و ۴۹)

مصدر «گردیدن» در بیت صورت سؤال به معنی «منصرف شدن، برگشتن، تغییر عقیده دادن و نقض کردن» به کار رفته است. مفهوم بیت صورت سؤال چنین است که: «نباید عهد و پیمان خود را بشکنی و سختی را تغییر دهی».

در گزینه‌ی «۱» نیز «گردیدن» در معنای «برگشتن» به کار رفته است و شاعر معتقد است «اگر نظر کردن به دوست نهی شده است، من هرگز از نهی شده‌ها برنمی‌گردم و عقیده‌ام را تغییر نمی‌دهم (یعنی هم‌چنان به دوست نظر می‌کنم)».

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۲»: «گردد» شود ← عاقل می‌گوید که اگر در خانه‌ای دو فرمان باشد، (دو نفر فرمانده باشند) خانه به جای نمی‌ماند.

گزینه‌ی «۳»: «گردید» دگرگون شد ← فردی زیبارویی را دید و از شور عشق، حالش دگرگون شد.

گزینه‌ی «۴»: «بگردی» تغییر می‌کنی ← ای دوست در یک لحظه حال تو صدگونه تغییر می‌کند، گاهی خوش‌سخنی پیشه می‌کنی و گاهی تلخ‌زبان می‌شوی.

۱۰- گزینه‌ی «۲» (زبان فارسی ۳، گروه اسمی، درس ۱۱، صفحه‌ی ۹۴)

ترکیب‌های وصفی عبارت‌اند از: همه چیز / همه‌ی احوال / هیچ پیشامد / پیشامد جالب / هیچ حادثه / حادثه‌ی سوء / یک تن / همه‌ی دل‌تنگی‌ها / این عالم ← ۹ ترکیب وصفی

۱۱- گزینه‌ی «۲»

(زبان فارسی ۳، جمله‌ی ساده و افزای آن، درس ۹، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۶)

او (نهاد محذوف)، این فقر اختیاری را (مفعول)، بر مکتب و تجمل رایج ... (متمم)، ترجیح می‌داد (فعل) ← چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم نکته: حرف اضافه‌ی اختصاصی «بر» مربوط به فعل «ترجیح می‌داد» است.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: او (نهاد)، منادی یک حیات تازه (مسند)، می‌شد (فعل اسنادی) ← سه جزئی گذرا به مسند

گزینه‌ی «۳»: او (نهاد محذوف)، درگیری دائم در تنازع برای بقا را (مفعول)، انحراف از ... و امری خلاف شأن انسانی (مسند)، تلقی می‌کرد (فعل اسنادی) ← چهار جزئی گذرا به مفعول و مسند

تهیه و تنظیم: مریم شمیرانی

ویراستار: الهام محمدی

۱- گزینه‌ی «۲» (ادبیات فارسی ۲ و پیش‌دانشگاهی، ترکیبی، فهرست واژگان)

دهانه‌ی تیر: سوفار / اسب سرخ مو: کمیت / زیون: مخدول / شباویز: مرغ حق، مرغی است مانند جغد که خود را از درخت آویزان سازد و فریاد کند: چوک.

۲- گزینه‌ی «۳»

(ادبیات فارسی ۳، لغت، فهرست واژگان و صفحه‌ی ۱۴۳)

واژه‌هایی که معنای آن‌ها نادرست است:

عدلیه: دادگستری / طفیل: مهمان ناخوانده، سربار، انگل

۳- گزینه‌ی «۴» (ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، لغت، فهرست واژگان)

عرایض: نامه‌های شکایت، جمع عریضه / فتیان: جوان‌مردان / کران: حد، انتها / مجاور بودن: اعتکاف و گوشه‌نشینی اختیار کردن / نظر: (اصطلاحی عرفانی) مدد و عنایت الهی، بصیرت باطن، فراست / رعب: ترسیدن، فزع کردن، ترس، بیم

۴- گزینه‌ی «۴»

(املا‌ی ترکیبی، زبان فارسی ۳، درس ۴، صفحه‌ی ۳۰ و ادبیات فارسی ۲، درس ۴، صفحه‌ی ۱۰۲)

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: «گزارد حق» گزارد حق (ادا کردن حق)

گزینه‌ی «۲»: اطباع ← اتباع (جمع تبع، پیروان)

گزینه‌ی «۳»: مضموم ← مذموم (نکوهیده، زشت)

نکته: واژه‌هایی که در این سؤال درست به کار رفته‌اند و اهمیت املا‌ی دارند، عبارت‌اند از: «غدر: حيله و مکر / شعوده: نیرنگ / تقاص: تاوان گرفتن / مطاوعت: پیروی / حمیت: مردانگی / الم: درد و رنج / غالب: چیره / مستولی: چیره / اخلاق مرضی: اخلاق رضایت‌بخش»

۵- گزینه‌ی «۲»

(املا‌ی ترکیبی، ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، درس‌های ۱۶، ۱۸ و ۱۹، صفحه‌های ۷۶، ۹۰ و ۹۷ و زبان فارسی ۳، درس ۴، صفحه‌ی ۳۰)

محمل و پوچ ← مهمل و پوچ (محمل: کجاوه / مهمل: بیهوده)

ارقند و قهر آلود ← ارغند و قهر آلود (ارغند: خشمگین و قهر آلود)

محجور و دور ← مهجور و دور (محجور: کسی که به دلیل سفاقت از تصرف در اموال خود منع شده باشد. / مهجور: دور)

نذهتگه ارواح ← نزهتگه ارواح (نزهتگه: محل سیر و گشت)

۶- گزینه‌ی «۱» (ادبیات فارسی ۲، تاریخ ادبیات، درس ۸، صفحه‌ی ۶۴)

از چهره‌های برجسته‌ی ادبیات مقاومت فلسطین می‌توان به «غسان کنفانی»، «محمود درویش»، «جبرا ابراهیم جبرا» و «اثر مانین» اشاره

توجه: «از خط سیر روحانی» متمم اسم برای واژه‌ی انحراف است. /
«تلقی می‌کرد» در معنای «می‌پنداشت» فعل اسنادی است.

گزینه‌ی «۴»: پر خوری و تجمل‌گرایی ... (نهاد)، راه دیگر (مفعول)،
باقی نمی‌گذارد (فعل) ← سه جزئی گذرا به مفعول

(زبان فارسی ۳، جمله، درس ۲، صفحه‌ی ۱۵)

۱۲- گزینه‌ی «۱»
تکواژها: خورشید / به / تدریج / پایین / می / رو / - / و / سایه / ها / ی /
ستون / ها / رو / ی / خاک / - / این / زمین / دراز / تر / می / شو / - / د
← ۲۴ تکواژ

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۲»: این / ستون / ها / ی / عظیم / و / بلند / از / دو / هزار /
سال / تا / کنون / هنوز / پا / بر / جا / ماند / ه / است / φ ← ۲۱ تکواژ
گزینه‌ی «۳»: اشیا / ی / این / ناحیه / که / از / ادامه / ی / بقا / خست / ه /
اند / اکنون / ناظر / - / شب / ی / دیگر / خواه / - / ند / بود ← ۲۱ تکواژ
گزینه‌ی «۴»: در / این / کوه / - / ستان / سر / در / ها / و / ستون / ها / ی /
بزرگ / - / تراش / خورد / ه / دید / ه / می / شو / - / د ← ۲۱ تکواژ

(زبان فارسی ۳، گروه اسمی ۲، درس ۱۵، صفحه‌های ۱۰۸ و ۱۰۷)

۱۳- گزینه‌ی «۳»
۱- دو سیر زعفران ← «سیر» ممیز / ۲- لباس خواهر بزرگ‌تر ←
«بزرگ‌تر» صفت مضاف‌الیه / ۳- یک فروند هواپیمای جنگی ← «فروند»
ممیز / ۴- لباس نسبتاً نفیس ← «نسبتاً» قید صفت / ۵- برجسته‌ترین
شرکت‌کننده‌ی المپیاد ادبی ← «ادبی» صفت مضاف‌الیه / ۶- کتاب
جغرافیای منطقه ← «منطقه» مضاف‌الیه مضاف‌الیه / ۷- زنگ در
ساختمان ← «ساختمان» مضاف‌الیه مضاف‌الیه / ۸- رنگ قرمز تند ←
«تند» صفت صفت

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه‌ی ترکیبی)

۱۴- گزینه‌ی «۱»
«تارک هفت اختر» اضافی استعاری و تشخیص / «سر و بر» جناس /
«خشت زیر سر داشتن» کنایه از «فقر و تهیدستی» و «بر تارک هفت
اختر پای گذاشتن» کنایه از «سیدن به کمال و تعالی» / «در عین فقر
(خشت زیر سر داشتن) در اوج کمال بودن (بر تارک هفت اختر پای
گذاشتن)»: پارادوکس

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه‌ی ترکیبی)

۱۵- گزینه‌ی «۴»
چون مفهوم دو مصراع به هم وابسته است و نمی‌توان بین دو مصراع
علامت مساوی گذاشت یا جای دو مصراع را عوض کرد، اسلوب معادله
ندارد. / در بیت آرایه‌ی اغراق دیده نمی‌شود.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: «افتاده» کنایه از «متواضع» و «سرکشیدن» کنایه از
«بالا رفتن و برتر شدن» / «خاک غبار دل آسمان شود»: تشبیه
گزینه‌ی «۲»: «شاعر علت بلندی مژگان را دست به دعا برداشتن او
برای شفای چشم بیمار یار می‌داند»: حسن تعلیل / «شفا و بیماری»:
تضاد

گزینه‌ی «۳»: «تنبور که زاری می‌کند و بدخو می‌شود»: تشخیص /
به نظر می‌رسد در این بیت تشبیه چنین گرفته شده است: «تنبور
مانند طفل است»: تشبیه

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه‌ی ترکیبی)

۱۶- گزینه‌ی «۲»
بیت د: «تبسم گل» و «ای لبلب»: استعاره و تشخیص / بیت ج: اشاره به
این که جایگاه اصلی روح انسان سدرۃ المنتهی است و انسان از ملکوت در

این جهان خاکی، غریب افتاده است: تلمیح / بیت ب: «کام» ایهام دارد: ۱-
آرزو ۲- دهان / بیت ه: دل من خاک راه است: تشبیه / بیت الف: از
خرابی آباد بودن: تناقض

(ادبیات فارسی ۲، مفهوم، درس ۹، صفحه‌ی ۱۳۸)

۱۷- گزینه‌ی «۱»
در گزینه‌ی «۱» شاعر، ممدوح خود را به بزرگواری و بخشندگی
می‌ستاید ولی در گزینه‌های «۲»، «۳» و «۴»، شاعر از نداشتن یار و دوست
و ندیدن مهربانی و غم‌خواری شکایت می‌کند.

(ادبیات فارسی ۲، مفهوم، درس ۱۳، صفحه‌ی ۹۵)

۱۸- گزینه‌ی «۳»
شاعر در صورت سؤال توصیه می‌کند که نباید در زندان دنیا اسیر و
دلبسته‌ی مادیات زودگذر و ناپایدار شد، بلکه باید دست از تعلقات
برداشت تا جهان حقیقی را بتوان دید. در گزینه‌ی «۳» نیز گوینده
می‌گوید که هر چه تلاش کردیم بی‌فایده بود ولی وقتی از دنیا چشم
پوشیدیم، به وارستگی و رهایی رسیدیم.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: «بدون حضور دوست بهشت هم‌چو زندان و با حضور او
زندان چون بهشت زیباست.

گزینه‌ی «۲»: جهان مثل کاروان‌سرای است که دو در دارد، وقتی از
یک در وارد شوی باید از در دیگر بیرون روی.

گزینه‌ی «۴»: در این جهان، اهل بصیرت که ارزش افرادی هم‌چو
یوسف را بدانند وجود ندارد که اگر وجود می‌داشت این دنیا هم با
همه‌ی تیرگی‌هایش دل‌نشین می‌شد.

(ادبیات فارسی ۲، مفهوم، درس ۱۷، صفحه‌ی ۱۲۹)

۱۹- گزینه‌ی «۲»
شاعر در صورت سؤال معتقد است که با ترک عادت، کامروا شده
است: یعنی، از طریق پیریشانی به جمعیت خاطر رسیده است.

مفهوم (دست‌یابی به امری مطلوب و مثبت از درون موضوعی
ناخوشایند) در گزینه‌های دیگر هم وجود دارد: در گزینه‌ی «۱» نیز
شاعر معتقد است که ترک آسایش لذت‌بخش است، همان‌طور که گل
با وجود نازکی در بستری از خار گزنده می‌خوابد. در گزینه‌ی «۳»
شاعر معتقد است که درد محبت باعث درمان او شده است. در
گزینه‌ی «۴» شاعر می‌گوید: وقتی غم عشق یار در دل شکسته‌ی من
قرار یافت، از این دلشکستگی کارهایم درست شد، اما در گزینه‌ی
«۲»، شاعر خطاب به محبوبش می‌گوید که هر تار موی تو مرا پابست
کویت کرده است و نمی‌توانم تو را ترک کنم. (مفهوم متناقض در این
بیت موجود نیست.)

(ادبیات فارسی ۳، مفهوم، درس ۱، صفحه‌ی ۲)

۲۰- گزینه‌ی «۱»
گوینده در بیت صورت سؤال معتقد است، چون خداوند منزّه از
چگونگی و بی‌نشان است، قابل توصیف نیست ولی در گزینه‌ی «۱»
می‌گوید که دهان تو از غایت کوچکی «نیست» است و قابل توصیف
نیست. تنها وقتی که سخن بگویی می‌فهمم که لب و دهان داری.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: خداوند را با صفات زمانه توصیف نکن که در این صورت
زمانه را توصیف کرده‌ای نه خدا را.

گزینه‌ی «۲»: این حالت قابل‌وصف نیست چون هنگام توصیف قلم
می‌شکند و کاغذ از هم می‌درد.

گزینه‌ی «۴»: نمی‌توان خوبی او را وصف کرد، زیرا هر چه شرح بدهم باز هم کم است.

۲۱- گزینه‌ی «۳»

(ادبیات فارسی ۳، مفهوم ۳، درس ۲۰، صفحه‌ی ۱۴۹)

در صورت سؤال شاعر معتقد است، گدای عالم عشق به جهان و آن‌چه در آن است، بی‌اعتناست. (اشاره به مقام گدای اقلیم عشق) و در گزینه‌ی «۳» نیز شاعر توصیه می‌کند که گدایی از حضرت دوست بهتر از سلطنت در این دنیا است و هیچ‌کس از این درگاه به امید چیز دیگری جدا نمی‌شود. (اشاره به مقام ارزش گدای راه عشق)

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: به گدایی گفتم که دینت را برای به دست آوردن نان این دنیا نفروش.

گزینه‌ی «۲»: اگر گدا غذای شبش فراهم باشد، آسوده خیال‌تر از سلطان شام می‌خواهد.

گزینه‌ی «۴»: اگر گدایی در صف اول سپاه اسلام باشد، کافر از ترس توقعات او تا دروازه‌ی چین می‌گریزد.

۲۲- گزینه‌ی «۴»

(ادبیات فارسی ۳، مفهوم ۳، درس ۲۰، صفحه‌های ۱۴۹ و ۱۵۰)

«وحدت وجود» از مهم‌ترین اصول عرفانی است که از این دیدگاه در سراسر جهان هستی غیر از خدا کسی و چیزی نیست و همه‌ی عالم وجود از او حکایت دارد. شاعر نیز در گزینه‌ی «۴» معتقد است وجود من در خداوند فانی شده است.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: از وقتی که شروع به سخن گفتن کرده‌ای، می‌ترسم از شوق شوری در جهان برپا کنم.

گزینه‌ی «۲»: مردم از مقابل تیر می‌گریزند ولی اگر تیرانداز تو باشی، من حتی مزه هم بر هم نمی‌زنم.

گزینه‌ی «۳»: اگر می‌خواهی مرا بکشی، موافقت می‌کنم، زیرا کشته شدن به دست تو ارزشمندتر از زنده بودن و سر بر بدن داشتن است.

۲۳- گزینه‌ی «۴»

(ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، مفهوم ۳، درس ۶، صفحه‌ی ۴۰)

در صورت سؤال شاعر معتقد است که برای آن‌که بخواهی در عشق به کمال برسی، باید سختی‌ها را به جان بگیری و دشواری‌ها را بپذیری. این مفهوم در سه گزینه‌ی دیگر نیز به نوعی مطرح شده است: جور تو شیرینی و حلاوت دارد، در گزینه‌ی «۱»، جفای تو بهتر از اقبال و انتقام تو از جان عزیزتر است، در گزینه‌ی «۲»، بدی و خشم تو از صدای دلنشین جنگ هم زیباتر است، در گزینه‌ی «۳»؛ ولی در گزینه‌ی «۴»، شاعر خطاب به خداوند می‌گوید اگر جدایی من از تو به دلیل بدی من است، تو با بنده‌ی بد، بد نکن که این سزاوار خدایی تو نیست.

۲۴- گزینه‌ی «۳»

(ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، مفهوم ۳، درس‌های ۱۱، ۱۲ و ۱۳، صفحه‌های ۵۵، ۶۴ و ۱۹۱)

بیت اول: شادی به آسانی دست نمی‌دهد.

بیت دوم: با یاد تو آن‌قدر شادم که فراق و وصال برایم فرقی ندارد.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: در هر دو بیت شاعر وفاداری خود و بی‌وفایی یار را مطرح می‌کند.

گزینه‌ی «۲»: در هر دو بیت بی‌توجهی به عیب‌جویان و خرده‌گیران مطرح شده است.

گزینه‌ی «۴»: در هر دو بیت شاعر معتقد است که محب و عاشق، عیب‌های محبوب خویش را نمی‌بیند و تنها حسن‌های یار در نظرش جلوه می‌کند.

۲۵- گزینه‌ی «۱»

(ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، مفهوم ۳، درس ۵، صفحه‌ی ۲۹)

بیت صورت سؤال می‌گوید: برای یافتن حقیقت، باید به آزمایش و امتحان پردازی. در سه گزینه‌ی دیگر نیز این مفهوم وجود دارد ولی در گزینه‌ی «۱»، شاعر می‌خواهد قدرت خود را نشان دهد یا خود را در مقابل عشق محک بزند و در صدد سنجش درستی یا نادرستی ادعای کسی نیست.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۲»: با وزیدن باد شدید در ماه مهر، مشخص می‌شود که هر درخت و گیاه در مقابل باد چه اندازه مقاومت دارد و ادعای چه کسی حقیقت دارد.

گزینه‌ی «۳»: اگر میزان و محک سنجش و آزمون وجود داشته باشد، ناخالصان شرمند می‌شوند.

گزینه‌ی «۴»: روز امتحان، فرد بصیر، پیروز و شاد است، همان‌طور که زر کامل بدون ناخالصی از بوته بیرون می‌آید.